

به نام خدا

بررسی باید و نباید اخلاقی و دینی از دیدگاه علامه طباطبایی و کانت

مؤلف :

فرحناز صادق زاده

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه : صادق زاده، فرحناز، ۱۳۵۳-
عنوان و نام پدید آور: بررسی باید و نباید اخلاقی و دینی از دیدگاه علامه طباطبایی و کانت/مؤلف
فرحناز صادق زاده.
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۱۴۶ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۴۱۹-۵
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۴۱]-۱۴۶.
موضوع: طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ -- دیدگاه درباره دین و اخلاق
موضوع: Tabatabai, Sayyed Muhammad Husayn-- Views on religion and ethics
موضوع: کانت، ایمانوئل، ۱۷۲۴ - ۱۸۰۴م. -- دیدگاه درباره دین و اخلاق
موضوع: دین و اخلاق
Religion and ethics
موضوع: دین و اخلاق -- مطالعات تطبیقی
Religion and ethics -- Comparative studies
رده بندی کنگره: BJ۴۷
رده بندی دیویی: ۲۰۵/۶۷
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۲۱۲۹۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

نام کتاب: بررسی باید و نباید اخلاقی و دینی از دیدگاه علامه طباطبایی و کانت

مؤلف: فرحناز صادق زاده

ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

چاپ: زبرجد

قیمت: ۱۱۷۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۴۱۹-۵

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران
Chaponashr.ir

فهرست مطالب

۷	فصل اول: کلیات
۷	مقدمه
۱۰	اهمیت موضوع
۱۳	فصل دوم: مبانی نظری
۱۳	مفهوم وظیفه
۱۳	معنای لغوی باید
۱۴	واژه اخلاق
۱۵	مفهوم اخلاق
۱۸	مرحوم نراقی
۲۱	دین در لغت
۲۵	نباید(گناه) در لغت
۲۹	عقل
۳۰	تقوا
۳۰	قرآن
۳۱	انواع مکاتب اخلاقی
۳۱	نظریات وظیفه گرایانه
۳۵	فصل سوم: باید و نباید اخلاقی و دینی از دیدگاه علامه طباطبایی(ره)
۳۵	زندگی نامه علامه (ره)
۳۷	الزام اخلاقی
۳۹	اعتبار
۴۰	اعتبار وجوب و باید
۴۰	مفهوم بدی
۴۳	قلمرو و مدرکات عقل

۴۴	نقش تفکر در تشخیص ارزشها از دیدگاه قرآن
۴۷	تعریف اخلاق
۵۱	انجام یا عدم انجام وظایف و مسئولیت ها
۵۳	ارتباط امور اخلاقی و تقوا
۵۳	تعریف ایمان
۵۳	نقش اراده و رشد فضایل اخلاقی
۵۴	ارتباط اخلاق و آموزهای دین
۵۸	راههای کسب فضایل عقلانی
۵۸	اخلاق دینی
۵۹	دیدگاه علامه(ره) نسبت به گزاره های دینی
۶۰	گزاره های دینی که مشتمل بر باید ها و نباید ها
۶۱	واجبات و معروفات دین
۶۱	دوری از لغو و پرهیز از اعمال بیهوده
۶۱	کارهای لغو از نظر دین
۶۲	تقسیم بندی انواع شرور
۶۵	ارتباط عقل و پذیرش دین
۶۷	بدترین جنبندگان از دیدگاه قرآن
۶۷	مولفه های ایمان
۶۸	سرانجام خوب و بد از نگاه دین
۶۸	مهم ترین تاثیرات دین بر اخلاق
۶۹	مصادیق بایدها و نبایدهای دینی
۶۹	بایدهای دینی
۷۴	نبایدهای دینی
۷۷	فصل چهارم: باید و نباید اخلاقی و دینی کانت
۷۷	زندگی نامه کانت
۷۹	اصول اخلاقی کانت
۸۰	احکام اخلاقی کانت

۸۰	منشا باید اخلاقی از دیدگاه کانت
۸۱	منشاء الزام عقلی
۸۱	عقل
۸۱	آزادی
۸۱	امر اخلاقی کانت
۸۲	ویژگی اوامر اخلاقی کانت
۸۲	انواع امر از دیدگاه کانت
۸۳	دسته بندی دیگر امر از دیدگاه کانت
۸۴	مفهوم وظیفه
۸۴	ارتباط نیت و عمل اخلاقی
۸۶	استثنا ناپذیری امر مطلق
۸۷	قصور
۸۷	مفهوم اراده خوب
۸۸	انواع خوب
۸۹	ارتباط باید و تحمیل
۹۰	مفهوم عقل از نگاه کانت
۹۱	شناخت متکی به عقل
۹۲	امر مطلق حاکم بر فاعل عاقل
۹۳	دستور اخلاقی
۹۵	تمایل به خیر
۹۵	تمایل به شر
۹۶	رابطه باید در معانی غیر اخلاقی
۹۶	اصل وظیفه چیست
۱۰۰	تعیین و تحمیل از دیدگاه کانت
۱۰۱	نقش مصلحت در قانون اخلاق کانت
۱۰۱	ارتباط عقل و وظیفه گرایی
۱۰۱	قانون اخلاقی کانت

عقل منشاء الزامات اخلاقی	۱۰۲
بهبود اخلاقی کانت	۱۰۲
تلازم اختیار و تکلیف	۱۰۳
تعریف خودآیینی کانت	۱۰۳
ارتباط مفهوم وظیفه و انگیزه	۱۰۳
مصادیق کانت از بایدهای اخلاقی	۱۰۴
مصادیق نباید اخلاقی از دیدگاه کانت	۱۰۶
مفهوم دین از دیدگاه کانت	۱۰۷
ارتباط اخلاق و تقدس خدا از دیدگاه کانت	۱۱۵
ارتباط اعتقاد دینی و اخلاق	۱۱۵
ارتباط اعتقاد و تجربه دینی	۱۱۵
وظیفه ایمان کلیسایی	۱۱۵
دین اخلاقی از دیدگاه کانت	۱۱۶
تفسیر مفاهیم دینی را بر اساس اخلاق	۱۱۶
ارتباط وظیفه با دین کامل	۱۱۸
توجه به عقل مشترک انسانها	۱۱۸
التزام به دین	۱۱۸
تعصبات دینی	۱۱۹
خرافه های دینی	۱۲۰
اعمال دینی	۱۲۰

فصل پنجم: بررسی وجوه شباهت و تفاوت باید و نباید اخلاقی و دینی از

دیدگاه علامه طباطبایی (ره) و کانت	۱۲۱
سخن آخر	۱۳۷
منابع	۱۴۱

فصل اول

کلیات

مقدمه

تفکیک باید از نباید در برخی از موارد چه در حوزه اخلاق و چه در حوزه دین، ما را در این تنگ‌نا قرار می‌دهد که کدام راه را انتخاب کنیم و وظیفه ما چیست؟ ما در شرایط ابهام آلود غیر شفاف چه انتخابی داشته باشیم؟ این نیاز احساس می‌شود که ما در این شرایطی که قرار گرفته ایم چه راهی را انتخاب کنیم. مسئله بایدها و نبایدها اخلاقی و دینی، از کهن‌ترین مسائل فلسفه اخلاق بشمار می‌رود، و این مسئله موجب شده تا یکی از سخت‌ترین پژوهش‌ها، تحلیل و تحقیق‌ها در باب بایدها و نبایدهای اخلاقی و دینی باشد، دلیل نگرانی ام، این است که شاید نتوانم فهم درستی از این موضوع ارائه کنم و همچنین نتوانیم تمام زوایای این مسئله به خوبی روشن کنیم، اهمیت این موضوع را دو چندان می‌کند از طرفی فهم دینی برای هر کسی میسر نیست و هر کسی بسته به عقل و درایت خود آن را درک میکند. از آنجایی که هر انسانی خود، باید درصدد شکوفایی و شکفتن اخلاقیات در خود برآید، تا بتواند به فضایل اخلاقی آراسته

و به مرز اعتدال نائل شود . باید و نباید دو واژه کلیدی در اخلاق و دین است که خاصیتی دو وجهی دارند و که مفهومی کاربردی و اجرایی دارد . عقل با شناسایی و شناخت و یافتن منشاء آن به معرفت اخلاقی می رسد و این شناخت نتیجه جستجو در مفاهیم در عقل عملی است و اراده آن اعمال لازم و ضروری را شدنی و دست یافتنی می کند .

با توجه به این که دو فیلسوف علامه (ره)مسلمان و کانت مسیحی می باشند، تفاوت ها و شباهت ها میان دو دیدگاه را مورد مذاقه دقیق قرار خواهم داد تا با رویکردی اخلاقی و دینی هر یک از این دو دیدگاه به تفضیل مورد بررسی قرار بگیرد، علامه طباطبایی (ره) معیار اخلاقی را که مورد تاکید قرار می دهد و در خصوص باید های اخلاقی و شرعی و نبایدهای اخلاقی و شرعی به اختیار انسان معتقد است و او انسان را مسئول سرنوشت و عملکردش می داند. به نظر علامه طباطبایی(ره) ، باید و نباید اخلاقی ، جعل ها و اعتباراتی هستند که انسان بر اساس رابطه واقعی بین افعال اختیاری خود و نتایج بین آنها تنظیم کرده است و باید ها مبتنی بر واقعیات هستند، هر چند از آنها استخراج نشده اند ، ولی قواعدی کلی دائمی و ضروری که ترک آنها و عمل به ضد آنها همیشه و برای همه انسانها بد و قبیح است. در هر محدوده ی که عقل توان درک مستقل حکم باید و نباید را نداشته باشد از دین کمک می گیرد ، وقتی عقل توان محاسبه دقیق حقایق برخی باید ها و نبایدها را نداشته باشد باید از دین کمک گرفت ، باید دینی همان تکلیف است که از منبع و قدرتی بالاتر که امر و نهی می کند که هیچ چیز نمی تواند مانع امر و نهی آن شود و تعهد به آن واجب است ، بایدها و دستورهایی الهی نیز بر مصالح و مفاسد واقعی و تکوینی نهفته در افعال و صفات مبتنی اند . فیلسوف دیگر ، کانت وظیفه را بر اساس الزام تعریف کرده است و باید اخلاقی کانت یک ضرورت عینی که ناشی از اراده آزاد انسان است نه ناشی از احساسات و تمایلات می داند ، و آنچه کانت می گوید این است که باید اخلاقی مطابق با تکلیف و وظیفه است . کانت تاکید فراوان به عنصر وظیفه و تکلیف دارد . و منشاء تکلیف را عقل ، و وجدان را راهنما و معیار اخلاق می داند ، در نظر کانت معیار فعل اخلاقی یعنی تکالیف و

دستورهایی صریح و قاطعی که وجدان انسان به انسان امر و یا نهی می کند، چرا و دلیل ندارد چون وجدان امر کرده است. او اخلاق را فقط و فقط در وجدان می بیند و قائل به وجدان و الهام فطری است و اخلاق را از مقوله تکلیف می نگرد، یعنی هر کاری را که انسان به حکم اطاعت بلاشرط وجدان انجام دهد و دل و قلب و وجدان فرمان می دهند و نباید هیچ غرض و غایتی نیز داشته باشد که این اطاعت محض از وجدان است. از این رو برای روشن شدن بحث باید ها و نبایدهای اخلاقی و دینی با چه هدفی برای ما انسان ها وضع شده اند. کدام یک دایره شمول بیشتری است و اینکه منشاء صدور متفاوتی دارند و این دو فیلسوف با چه رویکردی رابطه بایدها و نبایدهای اخلاقی و دینی را تبیین می کنند، ولی مقایسه دو دیدگاه برای فهم بیشتر و یافتن وجوه اشتراک و افتراق از آن جهت که خیلی از مسائل و نقاط مبهم بین این امر واضح و روشن شود. مخصوصاً، این مطالعه از این جهت مهم به نظر می رسد که پس از تشریح باید ها و نبایدهای اخلاقی و دینی و تطبیق دیدگاه علامه طباطبایی و کانت و مشخص شدن وجوه مشترک و وجوه افتراق آن، از این جهت که آثار بسیار مهمی و راهگشا بر زندگی انسان می گذارد، در جامعه کنونی مهم و راه گشا، بنظر می رسد.

در این تحقیق، به مقایسه و تطبیق دیدگاه علامه طباطبایی(ره) و کانت در رابطه بایدها و نبایدهای اخلاقی و دینی پرداخته خواهد شد و سعی بر آن است که مسئله بایدها و نبایدهای چه از منظر دینی و چه از منظر اخلاقی از نظر علامه طباطبایی و کانت مورد بحث قرار داده و تا حد امکان با توجه به دسترسی منابع، اهداف، آن را روشن کنیم. پس از پرداختن به مفاهیم، بررسی بایدهای و نبایدهای اخلاقی و دینی تا با تحلیل دقیق دیدگاه علامه طباطبایی و کانت مورد کنکاش قرار گیرد.

انما یدک الخیر کله بالعقل؛ تمام تشخیص های صحیح با عقل انجام می شود.

کل نجده یحتاج الی العقل؛ هر رهیابی به عقل نیازمند است.

نگارنده در این پژوهش تلاش می کند که آرا و اندیشه های دو فیلسوف را با تاکید بر باید و نباید اخلاقی و دینی بررسی کرده و در پایان به نقد و بررسی نظرات این دو فیلسوف بپردازد .

اثری که پیش رو داریم تحت عنوان باید و نباید اخلاقی و دینی از دیدگاه علامه (ره) و کانت تدوین شده است . در نگاهی معرفت شناسانه در پی شناخت باید از نباید هستیم تا آن را با تعریف مفاهیم و کارکردهای آن تبیین کنیم و جایگاه مفاهیم را در شناخت باید از نباید تشخیص دهیم .

ما در این تحقیق بارویکردی معرفت شناسانه در پی رسیدن به قدرت تشخیصی هستیم ، تا ما را در پی بردن و تشخیص باید و نباید اخلاقی و دینی به مصداق یاری کند و در این راه از مفاهیمی مانند عقل و وجدان و وحی و فطرت و ایمان و ..کمک می گیریم .

ما در این تحقیق نگاه هر دو فیلسوف را در جنبه معرفت شناسانه مورد بررسی قرار می دهیم . ما با نگاه قرآنی مفاهیم را از نگاه علامه (ره) را به بحث می گذاریم ، رویکرد کانت رویکردی عقلانی محور است و بحث را از دریچه نگاه او بررسی می کنیم .

پاسخ به سوال اصلی را در نظریات علامه(ره) و کانت جستجو خواهیم کرد و با توجه به آرای این دو دانشمند به سوالات زیر پاسخ خواهیم داد.

آیا از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) و کانت بین باید و نباید اخلاقی و دینی رابطه ای هست یا نه؟

اهمیت موضوع

موفقیت هر انسانی در سایه شناخت درست و استفاده صحیح و تشخیص بهنگام بایدها و نبایدها اخلاقی و دینی است که شخصیت اش را به شخصیتی ممتاز تبدیل خواهد کرد . از آن جا که جامعه اخلاقی تلاش می کند واقعیاتی در شکل و فرم باید و نباید فراهم کند تا ما به راحتی مصداق ها را تشخیص دهیم . اخلاق برای رساندن ما به معرفت اخلاقی و دین برای رسیدن ما به معرفت دینی ما را در بایدها و نبایدهایی روبرو می

سازد که ما را در رسیدن به جامعه مطلوب اخلاقی و دینی رهنمون می سازند. تبیین مصداق های متنوع در باید ها و نباید ها با رویکرد اخلاقی و دینی کار بسیار با دقتی را می طلبد. بررسی و پاسخ به این سوالات در چهار چوب نظرات این دو فیلسوف و کنکاش و گردآوری در مجموعه ای مستقل از ضروریات این پژوهش را تشکیل می دهد.

فصل دوم

مبانی نظری

مفهوم وظیفه

مفاهیم باید و نباید و وظیفه بدون تردید مفاهیم الزامی هستند ، زیرا هر دو ویژگی را دارند با این تفاوت که باید و نباید نمایانگر الزام است اما وظیفه نمایانگر الزامی پس از الزامی دیگر است.

معنای لغوی باید:

در فرهنگ معین واجب یعنی آنچه به جا آوردنش ضروری است و تکلیف یعنی وظیفه ای که باید انجام شود، تعهد کاری را بر عهده گرفتن و وظیفه یعنی آنچه اجرای آن شرعا یا عرفا در عهده ی کسی است. (معین، ۱۳۷۹، صص ۱۷۹- ۴۸۶- ۴۹۸- ۲۰۷۳- ۲۱۱۸)

مفهوم باید همان نسبتی است که میان قوه فعاله و میان اثر وی موجود است. تصویری از فعل خود و متعلق قوای فعاله خود دارد و در این بین احساسات و افکاری همچون حسن و قبح و وجوب و کراهت قرار می دهد و فعلی را که می خواهد انجام دهد حسن می یابد و نتیجه می گیرد باید انجام دهد. (طباطبایی، ۱۳۷۲، صص ۲۰۱ و ۱۹۱)

شناخت خوب و بد و باید و نباید:

شناخت خوب و بد و باید و نباید در حد ممکن لازمه تحقق فعل اخلاقی بوده و برای کمال اخلاقی فرد ضرورت دارد. از قیود آگاهی فرد به خیر بودن فعل است. بر این اساس ، شناخت فضایل اخلاقی ،محمول ها و موضوعات اخلاقی برای انجام فعل اخلاقی لازم است .علامه (ره) به اطلاق مفهومی و نسبیت مصداقی رای داده است و بر این اساس ، شناخت موضوعات ،محمول های ارزشی برای عمل اخلاقی ضرورت می یابد زیرا در موقعیت های اخلاقی به کمک آن ها قادر به شناخت مصداق خواهد بود .

ارتباط آگاهی و نباید :

هیچ کسی آگاهانه به دنبال بدی و شر نمی رود و اگر خوبی او را تغییر دهد آن را رها نمی سازد،و در رفتارش متجلی می شود ،پس وظیفه ما این است که نسبت به خود و دیگران کسب آگاهی پیدا کنیم و نتایج خیر و شر بد و نیکو را بدانیم تا فضایل اخلاقی در وجود ما ظاهر شود .

واژه اخلاق^۱ :

اخلاق در لغت جمع خلق به معنای سنجیه و طبیعت باطنی است و به صفاتی اطلاق می شود که بر اثر تکرار ، در نفس انسان به صورت ملکه در آمده و رفتار متناسب با آن بدون تامل از انسان صادر می شود بنابراین با بکار گیری استعداد های درونی انسان و تثبیت صفات پسندیده اخلاقی و شکوفا شدن ظرفیت های اخلاقی به منظور انجام رفتارهای پسندیده اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی است ، به طوری که در انسان به صورت ملکه در بیاید ،و انسان بدون تفکر آن را بصورت عادی و روتین انجام می دهد .

مفهوم اخلاق:

۱- اخلاق جمع خُلق است . خُلق به معنای خلقیه ؛ یعنی طبیعت انسان است . خلق همان سجیه و خوی است . حقیقت خُلق عبارت است از تصویر درونی و صفات و مفاهیم مخصوص آن که در برابر تصویر و شکل ظاهری انسان قرار دارد . (اخوان ، ۱۳۷۳ ، ص ۴۶)

۲- اخلاق در لغت عرب جمع خلق به معنای سرشت و سجیه اعم از سرشت نیکو و پسندیده مانند جوانمردی ، یا سرشت ناپسند و زشت مانند فرومایگی است ، خلق به زیبایی یا زشتی باطنی و خلق به زیبایی آفرینش ظاهری اطلاق می گردد . ملکه ای که نفس را مقتضی سهولت صدور فعلی بود از او بی احتیاج تفکری و رویتی ، صفات راسخه نفسانی که ابتدا به شکل تصورات ذهنی و حالات عاطفی در نفس پدید می آید و سپس تعلیق مکرر اندیشه و اراده به آن در زمینه روانی رسوخ پیدا می کند و در مراحل بعدی بطور ناخود آگاه بدن تردد از شخص صادر می شود . مجموعه باید و نباید در حوزه فعل اختیاری انسان است و صفات پایدار آدمی و راسخ آدمی که موجب صدور افعال معینی بدون تفکر و تأمل می گردد .

۳- اخلاق جمع خلق می باشد ، خلق به یک صورت ادراکی می گوئیم که در درون انسان جایگیر شده و در هر موقع مناسب در درون انسان جلوه کرده و او را به اراده عمل وادار می سازد . خلق به معنای ملکه نفسانی است که اگر افعال بدنی ، مطابق اقتضای آن ملکه بخواهد از آدمی سر زند ، آسان سر می زند ، حال چه اینکه آن از فضایل باشد و چه از رذایل .

۴- اخلاق در لغت به معنی مجموع خوی هاست و علم اخلاق علمی است که به معرفت خوبی ها و بدی ها ی نفس نائل می شود و یکی از شاخه های حکمت عملی است . اخلاق در عرف به معنای باید و نبایدهای فردی و اجتماعی نیز اطلاق می شود که باید با مجموع صفات نیکی که افراد و جوامع باید به آن پایبند باشند .

۵- خلق بر هیئت و اشکال صوری که با چشم قابل رویت و درک هستند اختصاص دارد در مقابل هنگامی که می گویند فلان کس خلق زیبایی دارد به معنای آن است که دارای آفرینش و ظاهری زیبا و اندامی سازگار است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۴)

۶- اخلاق، بر وزن افعال جمع واژه خُلُق و خلق، در لغت به معنای خوی ها، عادات، سرشت، سجایای نیک، پسندیده، خوب، دلیری، نیرومندی، زشت، ناپسند و فرومایگی به کار رفته و از صفات نفسانی انسان به شمار می رود و در واقع به معنای صفت‌های روحی و باطنی است که در نفس انسانی رسوخ پیدا کرده و به عنوان ملکه برای نفس در آمده است، به گونه ای که افعال خوب یا بد بدون نیاز به تفکر و اندیشه به آسانی از او صادر می شود.

۷- اخلاق در لغت جمع خُلُق است که با خَلْق از یک اصل و ریشه اند با این تفاوت که خَلْق بر اشکال ظاهری اطلاق می شود که با چشم سر قابل رویت اند. ولی خَلْق در مورد و اشکال باطنی به کار می رود که نه با چشم سر لاکه با عقل و چشم دل قابل رویت اند و گاهی به معنای قوای غریزی فطری و طبیعی و گاهی به معنای ملکات و راسخ نفسانی اکتسابی که منشاء صدور بدون افعالی خاصی است و گاهی به خود افعال صادر از آن اطلاق می شود. (احمد پور، ۱۳۹۲، ص ۲۵)

تعاریف اخلاق از نگاه دانشمندان :

مرحوم علامه مجلسی:

مرحوم علامه مجلسی در بهار الانوار اخلاق را این گونه تعریف می کند: اخلاق ملکه ای نفسانی است که کار به آسانی از آن صادر می شود برخی از این ملکات فطری و ذاتی اند و پاره ای از آنها با تفکر و تلاش و تمرین و عادت داشتن به آنها بدست می آید چنانچه بخیل از ابتدا به سختی جان کندن چیزی را می بخشد اما بر اثر تکرار بخشش و بذل به صورت خوی و عادت در می آید. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۱۶۷)

علامه مطهری:

استاد مرتضی مطهری در این باره می فرماید: اخلاق عبارت است از یک سلسله خصلتها و سجایا و ملکات اکتسابی که بشر آنها را به عنوان اصول اخلاقی می پذیرد و عبارت دیگر قالبی روحی برای انسان که روح انسان در آن کار و طبق آن طرح ساخته می شود و در واقع اخلاق چگونگی روح انسان است. (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲۰، ص ۴۷۰)

علامه مطهری:

استاد مرتضی مطهری در این باره در جای دیگر می فرماید: اخلاق در رابطه با ساحت روحی^۱ انسان است و بر این اساس با آداب و رسوم و یک سلسله قرار دادها صرف می باشند که ربط به ملکات و خلقیات و قالب های روحی درونی دارد. (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۳۴۷)

مرحوم نراقی:

مرحوم نراقی در تعریف اخلاق می گوید خلق ملکه ای است نفسانی که موجب می شود کارها به راحتی و بدون نیاز به فکر انجام شود و ملکه کیفیتی نفسانی است که دیر از بین می رود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۵)

ابوعلی مسکویه:

خوی و خلق حالتی است برای نفس که دعوت می کند آن را به کارها بی اندیشه و فکر.

مرحوم فیض:

خلق عبارت است از هیاتی استوار و ثابت در نفس که افعال به آسانی و سهولت از او صادر می شود، بدون این که به فکر و اندیشه نیاز افتر و اگر این حالت نفسانی منشاء صدور افعال زیبا و مورد پسند عقل و شرع باشد خوی حسن نام دارد و اگر افعال زشت و ناپسند از او سر زند خوی بد نام دارد. (فیض کاشانی، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۹۵)

تعریف علم اخلاق از نگاه دانشمندان :

محقق طوسی:

محقق طوسی در تعریف علم اخلاق می گوید: علمی که به آن که نفس انسان چگونه خلقی اکتساب تواند کرد که جملگی احوال و افعال که به اراده او صادر می شود جمیل و محمود بود. (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۴۸)

مرحوم نراقی:

مرحوم نراقی علم اخلاق را علمی می داند که عهده دار صفات هلاک کننده و نجات بخش و رها شدن از صفات از صفات هلاک کننده است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۱۸)

مرحوم نراقی:

مرحوم نراقی در جای دیگر می فرمایند: علم اخلاق عبارت است از دانش صفات مهلکه و منجیه و چگونگی متصف شدن و گرویدن به صفات نجات بخش و رها شدن از صفات هلاک کننده. (مصباح یزدی ۱۳۸۹، ص ۱۸)

ژکس:

علم اخلاق عبارت است از تحقیق در رفتار آدمی بدان گونه که باید باشد. (مدرسی، ۱۳۷۱، ص ۱۸)

تعریف دیگر:

علم اخلاق عبارت است از آگاهی و اطلاع از عادات و آداب و سجایای بشری. (پیرزانه، ۱۳۷۳، ص ۵۳)

بایدهای اخلاقی چیست:

بایدهای اخلاقی به معنای ضرورت است، ضرورتی که از ناحیه فاعل مختار ایجاد می شود، یعنی فاعل مختار با اراده و تصمیم و خواست خود به فعل خود ضرورت می بخشد؛ زیرا فاعل مختار، علت اراده و تصمیم خود است و وقتی تصمیم بر انجام کاری می

گیرد. باید ها و نباید ها ، صورت مجازی حسن و قبح هستند . عقل باید و نباید ندارد بلکه این که گفته می شود عقل می گوید باید از شرع اطاعت کرد یا عقل می گوید از ظلم باید پرهیز کرد ، همه مسامحه است و معنای آن این است که عقل فاعل این امور را مدح یا ذم می کند و در واقع مفاد آن ها این است که اطاعت از شرع حسن است و ظلم قبیح است . مفاد باید و نباید ، ضرورت ادعایی است ؛ ضرورتی که ضرورت تکوینی بین علت و معلول قرار گرفته شده است مفاد باید و نباید ضرورت و الزام است ؛ ولی نه ضرورت اعتباری و نه ضرورت بالغیر ؛ بلکه ضرورت و لزومی که انسان درون خود به علم حضوری می یابد . باید ها و نباید ها ی اخلاقی بیانگر این الزام های نفسانی و درونی هستند .

مفاد باید و نباید اخلاقی :

ضرورت :

مفاد باید و نباید های اخلاقی ضرورت ادعایی است ، مثلاً بین غذا خوردن و سیر شدن ، رابطه علیت برقرار است . پس باید ضرورت دارد ، و با انجام فعل به مطلوب خود می رسیم .

قانون :

در یک قانون اخلاقی باید دو چیز منظور شود : یکی این که این قانون ، مطلق ؛ یعنی جهانی و کلی باشد و رعایتش همیشه و همه جا لازم باشد ، دیگری ، وجدان انسان را زیر پا نهد ؛ به این معنا که تنها از این طریق شرافت نوع انسان محفوظ بماند . (کانت ، ۱۳۷۹ ، ص ۷۰)

انجام فعل از سر قصور :

عامل اخلاقی در عین آنکه ناصواب بودن یک فعل آگاه است ، اما به سبب استیلای انفعالی نفسانی و ضعف اخلاقی آن فعل را انجام دهد ، نیروهای بازدارنده و انگیزاننده

شخص را از مرحله علم و آگاهی به سطح عمل ارتقاء دهند ، کنش اخلاقی انسان نقش انگیزشی 1 داشته و این باور دینی است.(دانش ، ۱۳۹۲ ، صص ۲۵۹ و ۲۶۰ و ۲۶۱)

روش شناسی در کشف بایدها و نباید اخلاق:

تفاوت روش شناسی در کشف بایدها و نباید اخلاق عرفی، آرای محموده و سیره ی عقلی و سنجش عمل با نتایج مقاصد دنیا یا تشخیص وظایف است ، در حالی که روش در حسن و قبح اخلاق دینی از طریق وحی و گزاره های دینی است ، چون عقل و تجربه به رابطه ی عمل با مقاصد اخروی آن راه ندارد ، تبعیت از فرمان الهی و رسیدن به ثواب اخروی یا دوری از عذاب الهی صورت می گیرد اخلاق دینی است .

مفهوم باید اخلاقی از نگاه دانشمندان :

جی.ای. مور:

جی.ای. مور(۱۸۷۳-۱۹۵۸) فیلسوف انگلیسی معتقد است که مفهوم باید به معنای صحیح بودن است و صحیح بودن نیز بر اساس مفهوم خوب قابل تعریف است . شیوه عملی که در حقیقت امر بیشترین مقدار خوبی ممکن را در شرایط حاضر ایجاد کند . مثلاً من باید به همسایه ام کمک کنم . (وارنوک، ۱۳۶۸ ، ص ۱۱۰ و ۱۱۱)

اچ.ای . پریکارد:

اچ.ای . پریکارد (۱۸۷۱-۱۹۴۷) معتقد بود که مفهوم باید بدیهی شهودی و بی نیاز از تعریف و بلکه غیر قابل تعریف است . (وارنوک، ۱۳۶۸ ، ص ۱۴)

رادولف کارناپ:

رادولف کارناپ (۱۸۹۱-۱۹۷۰) تمامی مفاهیم اخلاقی از جمله باید را حقیقتاً به معنای امر و فرمان می دانست . به عقیده وی نباید دزدی کنی دقیقاً به معنای دزدی نکن است . (وارنوک، ۱۳۶۸ ، ص ۲۶)